

حضرت عبدالبهاء می فرمایند ، قوله العزیز : " بهائی آنست که مانند شمع بر افروزد و بر شرق و غرب پرتو تقدیس و تنزیه آندازد و اَلَا اسمی است بی مُسَمَّی و لفظی است بی معنی " . پیام آسمانی ج ۲ ص ۶ و ۷

عنوان : تنزیه و تقدیس

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع از آثار جمال اقدس ابھی
۲. مناجات دوم از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَائُهُ
۳. دعای دسته جمعی " سبوح قدوس ربنا و رب الملائکة و الروح " (۵ مرتبه)
۴. لوح مبارک حضرت بهاء الله جَلَّ جَلَالُهُ
۵. نص حضرت بهاء الله جَلَّ جَلَالُهُ
۶. لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
۷. نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَائُهُ

قسمت اداری

۸. مجموعه توقیعات حضرت ولی عزیز امرالله
۹. دستخط بیت العدل اعظم الهی
۱۰. "جمال مبارک که می بیند"
۱۱. "منبع شادی"
۱۲. از خاطرات جناب فروتن
۱۳. برنامه نوگلان بوستان
۱۴. شور و پیشنهاد

قسمت اجتماعی

۱۵. الفت و پذیرایی

۱۶. مناجات خاتمه از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاهُ

خادمین جمال اقدس ابھی

صمیمانه ترین تحیات خود را نثار تان می کنیم و تلاشتان را در برگزاری هر چه بهتر جلسات ضیافت می ستاییم. همانگونه که مستحضرید عنوان برنامه امشب ضیافت "تنزیه و تقدیس" است. نظر به اهمیت موضوع سعی شده با توجه به مضامین توفیق منیع ذیل بیشتر از نصوص مبارکه در این برنامه استفاده گردد تا وجوه مختلف تنزیه و تقدیس در حیات بهائی هر فرد بیش از پیش مشخص شود. لطفاً نکات مهم توفیق منیع را قبل از شروع برنامه ضیافت جهت آمادگی ذهنی اعضاء به اطلاع ایشان برسانید. " این تنزیه و تقدیس با شئون و مقتضیات آن از عفت و عصمت و پاکی و طهارت و اصالت و نجابت، مستلزم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است. همچنین توجه و مراقبت تام در احتراز از مشتبهات نفسانیه و ترک اهواء و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات رذیله مفرطه ایست که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزت به حضيض ذلت متنازل سازد و نیز مستدعی اجتناب شدید از شرب مسکرات و افیون و سایر آلائشهای مضره و اعتیادات دنییه نالایقه است. این تقدیس و تنزیه هر امری را که منافی عفت و عصمت شمرده شود؛ خواه از آثار و مظاهر هنر و ادب و یا پیروی از طرفداران خلع حجاب و حرکت بلا استتار در مرآی ناس و یا آمیزش بر طریق مصاحبت و یا بی وفایی در روابط زناشویی و به طور کلی هر نوع ارتباط غیر مشروع و هر گونه معاشرت و مجالست منافی با احکام و سنن الهیه را محکوم و ممنوع می نماید و به هیچ وجه با اصول و موازین سیئه و شئون و آداب غیر مرضیه عصر منحط و رو به زوال کنونی موافقت نداشته بلکه با ارائه طریق و اقامه برهان و دلیل، بطلان این افکار و سخافت این اذکار و مضار و مفسدت این گونه آلودگی ها را عملاً مکشوف و هتک احترام از نوامیس و مقدسات معنویه منبعث از تجاوزات و انحرافات مضله را ثابت و مدلل می سازد". ظهور عدل الهی صص ۶۳ و ۶۴

علاوه بر موارد فوق دو وجه از وجوه مختلف تنزیه و تقدیس در آثار مبارکه ذیل تقدیم می گردد. متمنی است در صورت اقتضای وقت و حوصله جمع به استحضار عزیزان برسد:

حضرت بهاء الله می فرمایند ، قوله الجمیل :

" ای ببلان انسانی جهد نمایند که دوست را بشناسید و دست تعدی خزان را از این گُلِ رضوان رحمن قطع نمائید . یعنی ای دوستانِ حق ، کمر خدمت محکم بربندید و اهل آفاق را از مکر و نفاق اهل شقاق حفظ نمائید و اگر به خضوع و خشوع و سایر سجایای حق بین عباد ظاهر شوید ، ذیل تقدیس از مفتریات ابلیس و مظاهرش طاهر ماند و آلوده نشود و کذبِ مُفترّین بر عالمیان ظاهر و هویدا گردد و اگر نَعُوذُ بِاللّهِ عمل غیر مرضیه از شما مشاهده شود جمیع به مقررِ قدس راجع است و همان اعمال ، مُثَبِّتِ مفتریات مشرکین خواهد شد " .

مجله عندلیب - ش ۶ - سال دوم - ص ۴

حضرت عبدالبهاء می فرمایند ، قوله الاحلی :

" ای مُسْتَشْرِقِ از انوار هدایت ، در این امر الهی که روح القدس ، اول خادم و ساعیست جهدی نما که حسن خدمتی و علوِ همتی بنمایی تا منظور نظر ملاءِ اعلی گردی و مشمول توجّهات و عنایت ملکوت ابهی شوی و مظهر تأیید مَن یَدْعُ النَّاسَ بِاسْمِی فَإِنَّهُ مِنِّی و یَظْهَرُ مِنْهُ مَا یَعْجِزُ عَنْهُ مَن عَلَی الْاَرْضِ کُلِّهَا گردی . خدمت امرالله عبارت از تنزیه و تقدیس و تجرید و تفرید است و ظهور به شئون رحمانی در بین ملاء انسانی و ثمر و اثر این خدمت عزّت قدیمه انسان است در جمیع عوالم الهی حتّی در نقطه تراب که پست و نازلترین مراتب است ملاحظه نما که حتی در جهان خاک و جماد ، آثارِ چه نفوسی موجود و مشهود است و از این قیاس کن و عبرت گیر . تا کی در این دام به جهت دانه ئی گرفتار باشیم و در این قفس به امید حبه ای مسجون و محزون بمانیم . رَبُّ أَرْفَعُنِی إِلَیْکَ وَ نَجِّنِی مِنْ هَذَا الْغَمِّ الْعَظِیمِ .

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء - ج ۲ - ص ۱۸۰

مَن یَدْعُ النَّاسَ ... : کسی که مردم را به اسم من می خواند پس به درستی که او از من است و از او ظاهر می شود آن چه که همه ساکنین کره ارض از انجام آن عاجزند .

رَبُّ أَرْفَعُنِی ... : پروردگارا مرا به سوی خودت بلند کن و از این غم عظیم نجاتم ده . در پناه حق باشید

۴- مناجات شروع از آثار جمال اقدس ابھی

الهی الھی

این عبد را از شر نفس و هوی حفظ فرما و به نور بر و تقوی مزین دار. ای مالک من، مملوکت تو را ذکر می نماید و لازال بصرش منتظر عنایات لا نهاییه تو بوده و هست. پس باز کن باب رحمت را و قسمتی عطا فرما این عبد متمسکت را. از یک کلمه علیا عالم وجود را موجود فرمودی و به انواع مائده و نعمت و آلاء لا تُحصی مزین داشتی. تویی بخشنده و توانا. لا إله إلا أنت العلیُّ الأبهی.

ادعیه حضرت محبوب - ص ۳۳۳ و ۳۳۴

۴- لوح مبارک حضرت بهاء الله جل جلاله

قلم اعلی در سجن اعظم احبای خود را ذکر می فرماید تا جمیع با کمال تقدیس و تنزیه از کوثر بیان که در ایام رحمن جاری است بیا شامند. اکثری از احبّا به ساحت اقدس فائز نشده اند و معانی کلمات الهیه را کما ینبغی ادراک ننموده اند؛ لذا الیوم از شریعه اوامر الهیه محروم مانده اند و همچنین بعضی به مُشْتَهَاتِ نَفْسَانِیّه به اعمال شنیعه عامل شده اند و آن را به حق نسبت داده اند و عباد بیچاره که از اصل امر مطلع نبوده اند، به متابعت آن نفوس از صراط مستقیم دور مانده اند. بر تو لازم و واجب است که به خدمت امر قیام نمائی و نفوس ضعیفه را از آرایش هواهای نفسانیه مطهر و مقدّس نمائی. کتاب اقدس از ملکوت مقدّس، نازل و اوامر الهیه در آن بی ستر و حجاب ظاهر. باید کل به آن عامل شوند. هر عاقلی که فی الجمله تعقل و تفکر نماید، ادراک می نماید که امر الهی مقدّس از هواهای نفسانیه بوده و هست. جهد نما تا کل از کوثر تقدیس بیاشامند و به کمال تنزیه به افق اعلی ناظر گردند و بما نُزِّلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عامل شوند " آیات الهی - ج ۲ - ص ۷۰

کما ینبغی: همانطوری که سزاوار است. شنیعه: زشت

مشتهیات نفسانیه: خواهشهای دل بما نزل...: به آنچه از جانب خداوند نازل شده است.

۵- نص حضرت بهاء الله جَلَّ جلالُهُ

منع از شرب مسکرات

جمال قدم جَلَّ ذِکْرُهُ الاعظم می فرماید:

"إِيَّاكُمْ أَنْ تُبَدِّلُوا خَمْرَ اللَّهِ بِخَمْرِ أَنْفُسِكُمْ لِأَنَّهَا يُخَامِرُ الْعَقْلَ وَيَقْلِبُ الْوَجْهَ عَنِ وَجْهِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْبَدِيعِ وَأَنْتُمْ لَا تَتَّقَرَّبُوا بِهَا ؛ لِأَنَّهَا حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ مِنْ لَدَى اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ " .

منتخبات الواح درباره فضائل اخلاق - ص ۸۲

مضمون بیان مبارک به فارسی

"مبادا شراب (باده) الهی را به شراب نفسهایتان تبدیل کنید؛ زیرا آن عقل را به شک می اندازد و صورت را از وجه خداوند عزیز بدیع بر می گرداند و شما به آن نزدیک مشوید زیرا آن از جانب خداوند بلند مرتبه عظیم برای شما حرام گردیده است" .

در مدرسه تابستانه واقع در بریتیش کلمبیا در کانادا، دختری ۱۹ ساله که قبل از ایمان به امر مبارک به اصطلاح مَشْرَبِ هیپی داشته و دو سال از خانواده فراری بوده، راجع به شرب دخان از من سؤال می کرد که آیا در امر بهائی حکم آن چگونه است. زیرا استعمال مخدرات سائره را ترک گفته ولی روزی چند قوطی سیگار آتش می کرده است. من به کمال احتیاط جواب دادم که شرب دخان در امر بهائی حرام نیست؛ ولی حضرت بهاءالله می فرمایند باید اطفال را از کودکی نوعی تربیت نمود که به دخان آلوده نشوند و حضرت عبدالبهاء می فرمایند که اهل بهاء باید از هر آلودگی پاک و آزاد باشند و از ارتکاب هر مکروه نجات یابند و از قید هر عادت رهائی جویند و از دخان نیز پرهیز کنند. بعد از این که این مطالب کاملاً مفهوم شد با تأثری عمیق گفت: پس در این صورت من باید با آخرین عادت خودم نیز وداع کنم و دست به کیفش فرو برد و بسته سیگارش را بیرون آورد و در مقابل دیدگان حیران من تکه تکه کرده، به دور انداخت.

استخراج از نوار شماره ۳

۶- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

"سؤالاتی نموده بودی که چرا نفوس مبارکه روحانیه که ثابت و راسخند از معاشرت با نفوس پست فطرت دوری می جویند؟ این به جهت آن است که هم چنان که امراض جسمانی نظیر سل و سرطان سرایت دارد و هم چنین امراض روحانی نیز سرایت دارد. اگر یک شخص مسلول، معاشر با هزار شخص صحیح و سالم شود، صحت و سلامت آن هزار نفر صحیح و سالم در این شخص مریض مسلول تأثیر ننماید و از مرض سل نجات نجوید؛ ولی این مسلول چون معاشرت با آن هزار نفس نماید، در اندک زمانی به جمعی از آن نفوس سالمه، مرض سل سرایت کند. این امری است بدیهی و واضح و هم چنین اگر هزار شخص بزرگوار با نفسی پست فطرت معاشرت کنند، کمالات آن نفوس در این شخص پست فطرت تأثیر ننماید بلکه این پست فطرت سبب ضلالت آن ها شود. لهذا حضرت بهاءالله در الواح می فرماید: سَوْفَ تَنْتَشِرُ هُنَاكَ رَائِحَهُ دَفْرَاءٍ أَنْ اجْتَبِئُوا مِنْهَا كَذَلِكَ يَا مُرْكُمُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. می فرماید عنقریب در آن شهر رائحه کریهه ای منتشر می شود؛ باید از آن رائحه کریهه اجتناب نمایید و حضرت علیم حکیم چنین شما را امر می نماید. انتهی و آن رائحه دَفْرَاءٍ، رائحه نقض است... باز حضرت بهاءالله می فرماید: پس ای اشجار رضوان قدس عنایت من، خود را از سموم اَنْفُسِ خبیثه و اریاح عقیمه که معاشرت به مشرکین و غافلین است حفظ نمایید تا اشجار وجود از جود معبود از نفعات قدسیه و رَوْحَاتِ اُنْسِيَّهٍ محروم نگردد. انتهی. این است که باید از اشرار اجتناب نمود و به ابرار معاشر."

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء - ج ۵ - ص ۱۹۴

دَفْرَاءٍ: بسیار بد بو (گندیده) رَوْحَاتِ: شادی ها، سرخوشی ها (مفرد: راح)

اُنْسِيَّهٍ: فرح، بهجت، همدمی، آسایش اجتناب: دوری کردن

سَوْفَ تَنْتَشِرُ.....: بزودی در آن جا بوی بسیار بد منتشر می گردد. از آن دوری نمائید. این چنین خداوند دانا و خردمند حکم می نماید.

۷- نصوص مبارک حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاةُ

• منع از شرب دخان

حضرت عبدالبهاء می فرمایند، قوله العزیز :

"فی الحقیقه ضرر و زیان این دود بی نفع و سود، واضح و مشهود است. اجسام را به کلی معلول نماید و اعصاب را رخاوت و سستی بخشد و دماغ یعنی مغز را از احساساتِ علویّه محروم نماید. اوقاتی به شربش بیهوده بگذرد و اموال بیجا صرف گردد. نه تشنگی بنشانند و نه گرسنگی زائل کند. شخص عاقل البته ترک این مُضِرِّ هائل نماید و همواره به آنچه سبب صحّت و سلامتی است پردازد." ۱

• منع از شرب افیون

حضرت مولی الوری می فرمایند، قوله الاحلی :

"اما قضیه تریاک، نفوس را از خاک پست تر کند و از عظمِ رمیم، پوسیده تر. سُبْحَانَ اللَّهِ چه قدر عجیب است و چه قدر غریب که انسان خود را زنده، مرده نماید و افسرده و پژمرده کند و جز ضرر، اثر نیند و با وجود این چگونه مُضِرِّ بر حصول این ضرر گردد؟ وَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ اگر انسان، زنده در قبر نشیند، بهتر از آن است که مرتکب شرب افیون گردد و مَظْهَرُ الْجُنُونِ فنون گردد. البته البته خویش و بیگانه را نصیحت نمائید و از این عملِ قبیح ممانعت کنید که الیوم در آستان مقدّس، اعظم مُحَرَّمَاتِ، شرب تریاک است. أَعَاذَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنْ هَذَا الضَّرِّ الْعَظِيمِ وَ الْبَلِيَّةِ الَّتِي هَادِمَةٌ لِلْبَنِيَانِ الْجَسِيمِ." ۲

- ۱منتخبات الواح درباره فضائل اخلاق - ص ۸۵ و ۸۶ - ۲منتخبات الواح درباره فضائل اخلاق - ص ۸۴ و ۸۵

معانی لغات : رخاوت : سست و نرم شدن، سستی علویه : رفیع، بالایی، بلند مرتبه شرب : در این جا کشیدن هائل : هول انگیز، شدید و سخت، عظیم و بزرگ عظم رمیم : استخوان پوسیده

• عفت و عصمت

حضرت ولی امرالله می فرمایند ، قوله العزیز :

”عفت و عصمت به قبل و بعد از ازدواج مربوط می شود . قبل از ازدواج ، عفت و عصمت مطلق و بعد از آن ، وفاداری صرف به همسر ؛ وفاداری در روابط زناشویی و وفاداری در قول و عمل . “ ۱

و نیز می فرمایند ، قوله الجمیل : ”باید عفت و عصمت ، شدیداً هم در زن و هم در مرد رعایت شود . نه تنها به این دلیل که از نظر اخلاقی بسیار مقبول است ؛ بلکه به سبب آن که این روش ، تنها راه برای زندگی زناشویی شاد و موفقیت آمیز است . “ ۲

• منع از خوردن اغذیه معطر شده به مشروبات الکلی

”عطف به سؤال شما مبنی بر اینکه آیا غذاهای معطر شده به وسیله مشروبات الکلی نظیر کنیاک ، شراب و غیره می بایست در ردیف مشروبات الکلی و سُکر آور قرار گیرند و در نتیجه احبا باید از استعمال آن ها اجتناب کنند ، حضرت ولی امرالله مایلند که عموم احبا بدانند ؛ چنین اغذیه و اشربه ای اکیداً منع می شوند . “ ۳

انجام دهندگان رقص باید پوشش محجوبانه داشته باشند

حضرت ولی امرالله می فرمایند ، قوله المتین :

”انجام عمل رقص مجاز است ؛ اما لازم است توجه و دقت بسیار معطوف و مبذول شود که رقص کنندگان ، پوششی محجوبانه و شایسته دارا باشند و هم چنین رقص ها به هیچ وجه پست و عامیانه نباشد . به طور معمول در جلسات منظم بهائی ، رقص نباید انجام شود ؛ اما البته انجام تک خوانی و یا تک نوازی مانعی ندارد . “ ۴

۲- انوار هدایت - ش ۱۱۵۷

۱- انوار هدایت - ش ۱۲۱۲

۴- انوار هدایت - ص ۱۳۰

۳- انوار هدایت - ش ۱۱۷۵

در اصفهان شخص مُتَنَفَّذی به امر مبارک اقبال کرد و پس از مؤانست و مجالست با احبا معلوم شد که او از دیر زمانی به شرب مسکرات و معتاد بوده است . دوستان با کمال حزم به او می گویند که این عادت را ترک کند . جواب می دهد که سالهاست مبتلی است و ترکش مُتَعَسِّر است . می گویند : " اگر مردم بفهمند خیال می کنند که چون شما بهائی شده اید خلاف شرع را اهمّیت نمی دهید . " می گوید : " هیچکس جز شماها نخواهد فهمید . " می گویند : " جمال مبارک که می بیند . " می گوید : " جمال مبارک به خلوت من کاری ندارد . " چون دوستان او را در این حالت می بینند دیگر متعرّضش نمی شوند تا آن که موجبات تشرّفش به محضر جمال قدم فراهم می شود و از اصفهان به ارض اقدس می رود . در مراجعت که احبا به دیدن او می روند ، می گوید : " حضرات ، من حالا یقین دارم که جمال مبارک عالمُ السِّرِّ و الخَفِیَّاتِ هستند و خلوت و جَلَوَتِ برای ذات مقدسشان فرقی ندارد و لهذا من دیگر لب به مسکرات نمی آلام . زیرا ایشان را همیشه حاضر و ناظر می دانم . " و چنین حکایت می کند که در اولین تشرّف به محضر مبارک با جمعی از زائران در حضور ایستاده بودیم و جمال قدم مشی می فرمودند و مشغول بیانات نُصَحِیّه بودند . من که محو مشی و خرام مبارک شده بودم با خود گفتم جمال قدم مظهر کلی هستند ، بسیار خوب ؛ موعود کل ملل و اُمنند ، صحیح و درست ؛ اما این که در بعضی از الواح ، مقام خودشان را مُرْسِلِ رُسُلِ و مُنْزَلِ کُتُبِ خوانده اند چه تفسیری دارد ؟ به محض خطور این فکر ، جمال قدم در حین مشی به سوی من آمده دست مبارک را روی شانه ام گذاشته ، با ابهت و عظمت مخصوصی فرمودند : " بلی ، مُرْسِلِ رُسُلِ و مُنْزَلِ کُتُبِ ، شأن و مقام ماست . " من دیگر حال خود را نفهمیدم . بعد از این واقعه با خود گفتم نفس مقدسی که افکار درونی مرا می خواند پس اعمال و افعال برونی مرا هم می بیند .

داستانهایی از حیات عنصری جمال اقدس ابھی - صص ۵۲ و ۵۳ متعسرّ: سخت و دشوار خفیات:

پوشیده ها ، پنهان ها جلوت: واضح و آشکار مشی: راه رفتن

۸- دستخط بیت العدل اعظم الهی

نهی از استفاده مواد مخدر

"حضرت ولی امرالله فرموده اند که از لوازم تقدیس و تنزیه ، اجتناب تام از شُرب افیون و احتراز از استعمال مواد مخدره اعتیاد آور است . هروئین ، حشیش و ماروانا و پیوتی و ال اس دی و همه عصاره ها و مشتقات موادی از این قبیل ، مشمول این حُرمت می شوند" .

منضمات کتاب اقدس - ص ۲۱۹

دو خبرنگار فرانسوی (یک مادر و فرزند) مصمم گردیدند که درباره امر بهائی به تجسس و تحقیق پردازند . برای وصول به این مقصود ، از مرکز جهانی بهائی در شهر حیفا دیدار نموده و در آن جا با افراد بهائی مصاحبه کردند . متن ذیل حاصل مصاحبه ایشان با یکی از این افراد می باشد :

تی تی زوک - ۳۳ ساله - اهل کامرون

من در یک خانواده مسلمان در کامرون به دنیا آمدم . به یک مدرسه پروتستان رفتم و در آن جا به این مذهب گرویدم . بعد از اتمام دوره دبیرستان به دانشگاه یاموندی رفتم و در آنجا در رشته اقتصاد به تحصیل پرداختم . روزی یکی از پسر عموهایم یک مهاجر بهائی را به اطاق من دعوت کرد و من توانستم به قسمتی از مکالمات آن ها گوش دهم ... به مطالعه آثار آن ها پرداختم ... تا این که به امر بهائی ایمان آوردم ... سابقاً زیاد مشروب می نوشیدم . خوب طبیعی بود ؛ چون کار پدرم تهیه و فروش شراب خرما بود . از مشروب خواری دست کشیدم . احساس می کردم آدم تازه ای شده ام و از این حیث خوشحال بودم . البته مسئله عفت و عصمت برایم مشکل بود . اما وقتی انسان مشروب نخورد بهتر می تواند بر احساسات و امیال خود غلبه کند و در آن صورت همه چیز مفهوم دیگری پیدا می کند . در واقع این مقررات و قوانین ، نعمتی است ؛ مخصوصاً در دنیای امروزی و قیمتی که بابت آن می پردازیم در مقایسه با منافعی که از اطاعت آن عاید خودمان می شود بسیار ناچیز است . ما انسان ها ضعیف هستیم و جامعه ای که در آن زندگی می کنیم فاسد است . وقتی بتوانیم بر نقاط ضعف خود چیره شویم دیگر احساس اجبار و فشار نخواهیم کرد ؛ بلکه تسلط ما بر قوای نفسانی برای ما منبع شادی خواهد بود .

باغبانان بهشت خدا - ص ۶۷

الله ابهی

بسیار خوش حالیم که امشب با برنامه ی " تنزیه و تقدیس " در خدمت شما هستیم . برنامه ها به این ترتیب اجرا می گردد :

الف - مناجات شروع که توسط تلاوت می شود . (به انتخاب تلاوت کننده)

ب - بیان مبارک حضرت عبدالبهاء توسط زیارت می گردد .

پ - حکایت را برای ما می خواند .

امیدواریم از برنامه های امشب لذت ببرید . متشکرم .

(ناظم محترم لطفاً در جاهای خالی اسامی مجریان برنامه ها را بنویس .)

ب

بیان مبارک حضرت عبدالبهاء

"فِي الْحَقِيقَةِ ، اطفال ، زینتِ سفره اند ؛ عَلَى الْخُصُوصِ این اطفال که خیلی مَلِيحَنَد . قلوبِ اطفال بسیار صاف و ساده است . انسان باید قلبش مانند قلوبِ اطفال باشد و از هر آلایشی پاک و پاکیزه " .

بدایع الآثار - جلد ۱ - صفحه ۳۱۱

حکایت " بدترین و بهترین "

لُقمانِ حَکیم , چهره ای سیاه و تیره داشت . روزی کسی او را به بندگی خرید . لُقمان به او خدمت می کرد . هر چند که رفتار و سخنانی عالمانه داشت . ارباب او مدتی بود که متوجه ی هوشِ سرشارِ لقمان شده بود . روزی تصمیم گرفت علم و دانائی او را آزمایش کند . به لقمان گفت : گوسفندی بگش و بهترین اعضای آن را برای من بیاور . " لقمان گوسفند را گشت و دل و زبان آن را نزد ارباب آورد . روز بعد ارباب گفت : حال برو و گوسفندی بگش و بدترین اعضای آن را نزد من بیاور . لقمان رفت گوسفند را گشت و باز دل و زبان آن را برای ارباب آورد . ارباب پرسید این بهترین است یا بدترین ؟ لقمان پاسخ داد : هیچ چیز بهتر از دل و زبان نیست , اگر پاک باشد و هیچ چیز بدتر از آن نیست , اگر ناپاک باشد .

لطیفه های شیرین , لطایف الطایف - صفحه ۶۲

۱۶ مناجات خاتمه از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاهُ

هو الله

ای پروردگار , این گنهگار را از اغیار بیزار نما و به محبت خویش گرفتار نما . از بند و کمند هوی و هوس رها کن و در دام محبت جمال ابهی بیفکن ؛ تا آن چه غیر اوست فراموش کنم و از باده محبت سرمست و مدهوش گردم . ای خداوند , نادانم و به گمان خویش , گرفتار . چاره ای کن و این افتاده را از نفس اماره نجات بخش . هر دم وسوسه ای نماید و در هر نفس دام تازه ای نهد . ای خداوند , تو نجات بخش و رهایی ده و به نفحات قدس خویش چاره ای کن ؛ شاید این دل از عالم آب و گل رهائی یابد و در اوج رحمانی پروازی نماید و به روح انقطاع بیاساید . ع ع

مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء - چاپ آلمان - ص ۲۱۶

نفس اماره : منظور نفس شیطانی که انسان را به کارهای ناشایست وسوسه می کند.